

با پررنگ شدن وجه سیاسی نمایندگان زن و فراکسیون می توان از سد جنسیتی و تک بعدی دیدن موضوعات زنان و نمایندگان حاضر در فراکسیون زنان عبور کرد و زمینه‌ای برای حضور مردان در این فراکسیون نیز فراهم کرد

برویم به سراغ موضوعیت فراکسیون، یعنی جنسیت و مشخصاً جنسیت مؤنث. موضوعات و مسائل مربوط به زنان تنها وجه جنسیتی دارند یا اینکه با خانواده و ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی هم نسبت برقرار می‌کنند؟ بدیهی است که نمی‌توان جنسیت را از این ابعاد جدا دید و بی‌آن را در خلأ دید و بررسی و فهم کرد. پس موضوعات جنسیتی در سطح واقعیت‌های اجتماعی هضم می‌شوند، اساساً خود جنسیت یکی از واقعیت‌های اجتماعی است که در کنار دیگر ابعاد ذکر شده سوبه‌ای خاص هم به خود می‌گیرد. مثلاً جنسیت ضرب در اقتصاد یا جنسیت ضرب در سیاست یا فرهنگ! هر کدام از آنها نتایج متفاوت به خود می‌گیرند. از سوی دیگر نسبت جدی زن با خانواده و نسبت خانواده با همین ابعاد موضوع را به صورت جدی‌تر به کیف میدان واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌کشاند. در این نقطه موضوعات مربوط به «زنان» موضوعاتی نیستند که تک بعدی باشند، بلکه به اتخاذ رویکردی چندوجهی برای فهم و هضم نیاز دارند، یعنی حالا ما یک گام بالاتر آمده‌ایم. در یک گام بالاتر چه باید کرد؟

در وضعیت فعلی آنچه زمینه‌ساز تشکیل فراکسیون زنان به شکل حاضر است، «خاص دیدن موضوعات زنان» و محور دانستن آن در جنسیت و از سوی دیگر بریدن جنسیت از وجوه پیش گفته است؛ یعنی گویا مسائل زنان جزیره‌ای هستند مجزا از دیگر جزایر! می‌توان گفت برخی فراکسیون‌های دیگر در مجلس که حول یک موضوع خاص شکل می‌گیرند مثل فراکسیون محیط زیست هم چنین اند، چرا که یک موضوع را به صورت تخصصی به بحث و بررسی می‌گذارند و اهدافشان را پیگیری می‌کنند. پاسخ اما این است: قیاس فراکسیون زنان با دیگر فراکسیون‌های تخصصی خطاست، چرا که طریقت یافتن حضور زنان در این فراکسیون به تک بعدی دیدن موضوع و صحنه ضرب داده است. در چنین شرایطی اینطور به نظرمی‌رسد که موضوعات زنان تنها به خود ایشان مربوط است و این موضوعات به ورود رویکردها، جنسیت و تخصص‌های دیگر نیازی ندارد.

اگر مبتنی بر تعریف فراگیر از فراکسیون آن را محیطی برای هم‌افزایی ایده‌ها و نظرات و اهداف مشخص سیاسی و تخصصی بدانیم، در صورت غلبه نگاه جنسیتی بر فعالیت اعضای حاضر در فراکسیون، ظرفیت‌های نیروهای سیاسی حاضر در مجلس که در اختیار غالب اعضا یعنی مردان مجلسی است، امکان هم‌افزایی با زنان مجلس در موضوعات خاص زنان را نمی‌یابد. با توجه به تعداد بسیار پایین زنان مجلس در هر دوره ما با فراکسیونی بسیار محدود طرفیم که نیروی محدودی نیز برای پیشبرد اهداف خلق می‌کند. از سوی دیگر تأکید بر این نکته ضروری است که منظر دیدگاه زنانه برای پرداخت به موضوعات باید نقطه مزیت باشد، نه اینکه به عنوان تنها ابزار برای پیشبرد اهداف به کار برده شود.

در کنار خاص دیدن موضوعات زنان، «تخصصی» دیدن آنها نیز آفت دیگری است که حوزه زنان در فراکسیون زنان مجلس را به دام غیرسیاسی شدن و غیرعمومی شدن، افکنده است. با غلبه نگاه تخصصی، امکان خلق گفتار عمومی و سیاسی حول مسائل زنان برای شکل دادن به سپهر اجتماعی که پشتوانه جدی کنش سیاسی است محدود شده یا در بدبینانه‌ترین حالت سلب می‌شود. این در حالی است که نگاه تخصصی و نگاه کارشناسی باید به خدمت نگاه سیاسی و گفتار عمومی درآمده و امکان ظرفیت‌سازی اجتماعی را فراهم کند. این به معنای طرد نگاه تخصصی نیست، بلکه به این معناست که فراکسیون زنان باید متوجه کنش خود و خلق ادبیات خود در سطح مجلس و در سطح جامعه نیز باشد و نگاه تخصصی را برای پیشبرد اهداف خود ذیل نگاه و طرح سیاسی پیش ببرد.

مشخصاً می‌توان به کنش‌های سیاسی فراکسیون زنان و اعضایش اشاره کرد، این فراکسیون به چه میزان توانسته است نگاه سیاسی خود در موضوعات مختلف و کلان سیاسی کشور نشان دهد؟ نمی‌توان گفت زنان نماینده مجلس تنها نماینده زنان جامعه هستند، بلکه باید به عنوان نمایندگان سیاسی جامعه ایران ایفای نقش کنند، نمایندگانی که اتفاقاً به موضوعات زنان هم‌التفاتی ویژه دارند. با پررنگ شدن وجه سیاسی نمایندگان زن و فراکسیون می‌توان از سد جنسیتی و تک بعدی دیدن موضوعات زنان و نمایندگان حاضر در فراکسیون زنان عبور کرد و زمینه‌ای برای حضور مردان در این فراکسیون نیز فراهم کرد.

با تغییر ترکیب فراکسیون از نظر کمی و کیفی می‌توان به سیاسی شدن فراکسیون امیدوار بود. در این صورت پیگیری موضوعات زنان نیز امیدبخش‌تر خواهد بود، چه اینکه موانعی که در مجلس برای پیشبرد برخی طرح‌ها و لوایح مربوط به حوزه زنان وجود داشته و دارد راحت‌تر برطرف می‌شوند. باید به وضعیتی اندیشید که افراد حاضر در فراکسیون تنها زن نباشند و موضوعات زنان و خانواده نیز تک بعدی و تنها مربوط به یک جنس تصویر نشوند؛ ما با موضوعاتی چندبعدی طرفیم و این موضوعات به فراکسیونی با تخصص‌ها و نگاه‌های متفاوت نیاز دارد. فراکسیون زنان باید بتواند قدرت خود را در دوره جدید خلق کند و از وضعیتی که شبیه به واحد خواهران مجلس شورای اسلامی است خارج شود. سیاسی دیدن آنها باعث می‌شود فقط جنسیتی نبینیم!



چرا فراکسیون زنان سیاسی نیست؟

سحر دانشور

پژوهشگر مطالعات زنان

زنان، فضایی است که به تصریح نامش حول موضوعات مربوط به زن و در کنار آن خانواده شکل گرفته است. در این بین تجربه نشان داده است در کنار «موضوعیت» داشتن زنان برای این فراکسیون، «طریقت» آن نیز به وجود و حضور زنان گره خورده است، یعنی ما شاهد فعالیت فراکسیونی هستیم که برای پیگیری مسائل مربوط به زنان تنها بر نیروهای زن حاضر در مجلس تکیه کرده است و وجهی جنسیتی در تشکیل یافتن نیز به خود گرفته است. اما این فراکسیون در این وضعیت چقدر می‌تواند مهم و مؤثر باشد؟

فراکسیون‌ها در مجلس شورای اسلامی حول ایده‌های سیاسی یا موضوعات و مسائل مختلف شکل می‌گیرند تا ظرفیتی واحد و مشخص برای نمایندگی ایده‌های مشخص شکل دهند. با این حال بار سیاسی فراکسیون‌ها همواره نقشی مهم در ایفای نقش‌شان در فضای مجلس یا حتی فضای عمومی کشور داشته و دارد. از این رو است که معمولاً سرشناس‌ترین یا جنجال‌برانگیزترین فراکسیون‌ها، سیاسی هستند؛ آنها که مبتنی بر رویکردهای جناح‌های سیاسی شناخته شده شکل گرفته و فعالیت می‌کنند. در این میان فراکسیون

